

واگرایی مهدی باوری فرقه «ذکریه» با قرآن و روایات فریقین

علیرضا حیدری نسب^۱
مهدی بیات مختاری^۲
محبعلی آبسالان^۳
عبدالاحد رئیسی^۴

چکیده

فرقه باطنی گرای «ذکریه»، که از رهگذر جایگزینی «ذکر» به جای «نماز» به «ذکریه»، نام بردار شده‌اند، از حدود پنج قرن پیش، بنا بر این که «سیدمحمد جونپوری»، بنیان‌گذار آن فرقه باشد و یا چهارقرن قبل با این فرض که «سید محمد مهدی اُتکی»، مؤسس آن به حساب آید، در شبه قاره هند پدید آمده است. از جهت قرابت جغرافیایی آن منطقه به ایران به‌گونه طبیعی در بلوچستان ایران نیز حضور دارند. باورها و اندیشه‌های چهارگانه بدیع: ۱. آفرینش مهدی از نور ۲. خلقت کائنات از نور مهدی ۳. ظهور و فعالیت وی در شبه قاره هند ۴. افضلیت مهدی بر تمام انبیاء علیهم‌السلام، از ویژگی‌های اختصاصی ایشان است. بررسی و تحلیل کارنامه آشفته ایشان که گاه، مهدی را با لقب «سردار انبیا»، گاه به‌عنوان «موعود پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم»، یاد و ظهور و فعالیتش را پایان یافته تلقی می‌کنند، نشان می‌دهد، مهدی باوری «ذکریه» با آیاتی مانند: توبه: ۳۳، نور: ۵۵ و انبیاء: ۱۰۵، که به تشکیل حکومت جهانی مهدی علیه‌السلام و فراگیری عدالت اشاره دارند و با روایات اتفاقی ناظر به تبار، خصوصیات شخصی و شخصیتی و حوادث قبل و بعد از ظهور حضرت،

۱. استاد یار علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول) (heydarynasab43@theo.usb.ac.ir).
۲. استاد یار علوم قرآن و حدیث دانشگاه نیشابور.
۳. استادیار ادیان و عرفان دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۴. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث.

هماهنگ نیست. پژوهش میدانی و تحلیل اسناد، حاوی این امرند که باورهای «ذکریه»، انحرافات است که توسط بنیانگذار، یا پیروانش در برابر شریعت اسلام اتفاق افتاده و اسباب گمراهی برخی افراد را به دنبال داشته است.

واژگان کلیدی

ذکریه، مهدویت، بلوچستان، محمد اتکی، محمد جونپوری.

مقدمه

با نزول قرآن، جریان تجدید شرایع آسمانی خاتمه یافت و حضرت جهت استمرار تبیین پیام رسالت، اهل بیت علیهم السلام را در مواضع گوناگون به نیکی معرفی نموده آخرین اوصیای دوازده‌گانه، مهدی علیه السلام را که کار ناتمام انبیا را به پایان خواهد رساند، هرچه روشن‌تر معرفی کرد. این شناساندن که به‌گونه‌های مختلف توسط اهل بیت علیهم السلام مورد بازخوانی و یادآوری قرار گرفت، به صورتی بی‌مانند، توسط محدثان فریقین با صبغه تواتر، روایت شده است. با این وجود بعد از ارتحال خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله و سلم برخی دنیاپرستان برای نیل به اهداف خویش، به این باور رویکردی ابزاری داشته‌اند و توانسته‌اند در برهه‌ای از تاریخ عده‌ای را گرد آورده، انحراف عقیده‌ها را سبب گردند. برخی متمه‌دیان و سودجویان با پیش‌کشیدن «مهدویت» خود یا دیگران و یا با القابی مانند مسیح موعود، مهدی، قائم، حجت‌الله، نایب خدا و باییت و با ادعای ارتباط با ملکوت، در صدد ایجاد انحراف در مسیر مهدویت برآمدند و کسانی خود را «موعود آخرین»، «مسیح مسیحیان»، «مهدی مسلمانان» و «کریش‌نای هندوان» خواندند. «محمد مهدی اُتکی» و «سید محمد جونپوری» در عداد این مدعیان‌اند که از حدود پنج قرن پیش در «شبه‌قاره هند» سبب پیدایش فرقه‌ای به نام «ذکریه» یا «ذکری» یا «ذگری» [به تعبیر محلی] شده‌اند که اکنون در هند، پاکستان و بلوچستان ایران حضور دارند.

در تاریخ جوامع اسلامی به‌طور کلی، دو نگرش از اسلام دیده می‌شود: اسلام شریعت یا فقا‌هت که فقه‌پژوهان آن را نمایندگی می‌کنند و اسلام طریقت یا عرفانی، که عرفا و صوفیان، مدعی تلبس به آن هستند. نحوه برداشت از رابطه بین طریقت و شریعت و خط فاصل بین این رویکردها، گاه پُررنگ و گاه کم‌رنگ شده و اصحاب این نگرش‌ها، متناسب با زیاده‌روی یا اعتدال گاه با هم در جدال و گاه در مدارا بوده‌اند. در بین دو رویکرد فوق‌الذکر، «ذکریه»، فرقه‌ای باطنی‌گرایند و عقاید آنان آمیزه‌ای از: «وحدت وجود»، «تأویل قرآن»، «ظهور پیشین مهدی موعود علیه السلام»، «عقائد صوفیانه» و «آداب و سنن محلی» است. آنان به تحریف عبادات

اسلامی و بدعت‌هایی روی آورده‌اند و به جای نمازهای پنج‌گانه، روزی چندبار به ذکر می‌پردازند. بدین جهت به «ذکری» مشهور شده‌اند (سرافرازی، ۱۳۹۰: ۴۹). پیروان این فرقه به عبادت خدا از طریق ذکر و تکرار اسامی مربوط به وحدانیت در حال تمرکز، اهتمام جدی دارند. اسم «ذکری» در مقابل «نمازی» که به سنی‌های حنفی در بلوچستان اطلاق می‌شود، قرار گرفته است (هوشنگ، ۱۹۸۹م: ج ۲، ۲۲).

پیامبر آنها «محمد مهدی اتکی» با نسخ نماز و تمسک به آیه «أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» (عنکبوت: ۴۵) خود را «ذکری» و سایر مسلمانان را «نمازی» خوانند.

ذکریه در برهه‌ای به اسم «داهی» که اصلش «داعی» بوده نیز شناخته می‌شدند. لفظ «داعی» اصطلاحی عرفانی - باطنی و لقب مبلغان باطنیان بوده ارتباط بنیادین ذکریه با باطنیان را نشان می‌دهد. شاید هم عنوان «داعی» برگرفته از ذکریه است که ایشان در مراسم مذهبی چوگان، آنگاه که درخواست می‌شود «أجیبوا داعی الله» بقیه هم صدا می‌گویند «لبیک داعی الله»، اقتباس شده است (نوری، ۲۰۱۰م: ۵۴؛ قصرقندی، دُر وجود: ۱۵۷؛ بلوچ، عبدالحق، ۱۹۹۲م: ۸ و ۲۰؛ هوشنگ، ۱۹۸۹م: ج ۲، ۲۲؛ هوگز، ۱۹۰۶م: ۱۱۹). نام‌های دیگری مانند: مهدوی، مصدق، طایی و اهل دایره نیز بر آن فرقه، اطلاق شده است (دامنی، ۱۳۸۳ش: ۱۸). با توجه به جمعیت قابل توجه پیروان این فرقه، در پژوهش حاضر تلاش می‌شود «مهدی باوری» آنان از منظر قرآن و روایات فریقین مورد تحلیل و نقد قرار گیرد:

مؤسس ذکریه

در مورد مؤسس ذکریه، دو دیدگاه کلی تحت عناوین سنتی یا بنیادگرا و مدرن یا تجددگرا وجود دارد:

۱. دیدگاه سنتی‌ها و بنیادگرایان

مطابق دیدگاه سنتی‌ها، بنیان‌گذار «ذکریه»، شخصیتی اسطوره‌ای است که عموم آنان وی را مهدی می‌خوانند (قصرقندی، دُر وجود: ۱۴۳؛ ملاکمان: ۷۰). از رهگذر آنکه ذکریه‌ها وی را نور می‌پندارند به جای واژه «ولادت» درباره‌اش از کلمه «ظهور» استفاده می‌کنند. قریب به اتفاق کتب ذکریه، قایل‌اند که «ملا محمد مهدی اتکی» بنیان‌گذار اندیشه ذکریه، در سال ۹۷۷ق/ ۱۵۶۸م در «أتک» که جزو قلمرو هند به شمار می‌آمده و پس از تقسیم هند در سال ۱۹۴۷م، در عداد شهرهای ایالت پنجاب پاکستان، است، دیده به جهان گشود. از

نظر آنها «از محمد مصطفی تا حضرت مهدی آخرالزمان نهصد و هفتادوهفت سال گذشته است» (ملاکمان بی تا: ۱).

در ارتباط با ظهور و تولد وی، روایتی مشحون از اغلاط ادبی نقل است:

قال ابوبکر یا رسول الله ﷺ مسئلتی منک أن متى کان الخرج المهدی؟ قال رسول الله ﷺ: قد جاء بعد ماتی من بلاد هند فی سنة سبع و سبعین و تسعمائة اسمہ کاسمی و اسم ابوه کاسم أبي؛

ابوبکر از رسول خدا ﷺ پرسید: چه زمانی مهدی خروج خواهد کرد؟ پیامبر ﷺ در جواب فرمود: نهصد و هفتادوهفت سال پس از رحلت من در کشور هند ظهور خواهد کرد که اسم او همانند اسم من و اسم پدر او همانند اسم پدر من است (قصرقندی، بی تا: ۱۳۰).

عموم ذکری‌ها معتقدند که خدا، «محمد مهدی اتکی» را از نور خود آفریده است. آمده است: خدا مهدی را از نور آفریده و خدا عاشق مهدی و مهدی معشوق خداست (قصرقندی، ثنای مهدی: ۴).

در جایی دیگر می نویسد:

موسی گفت یا رب! مهدی از چه آفریده شده است؟ حق تعالی گفت از نور خودم آفریدم (قصرقندی، موسی نامه: ۱۱۵).

لاری نوشته است:

هذا المهدی! هذا المهدی نورالله و مرادالله (لاری، ۱۹۷۲م: ۷).

همچنین از قول محمد بن عبدالله عربی رضی الله عنه آمده است:

«نور مهدی و خاتم نبی تویی» یعنی من احمدم و محمد مهدی و خاتم نبی تویی (ملاکمان: ۲۳).

گفته اند:

فرشتگان با دیدن نور مهدی ۷۰ هزار سال بیهوش و ۷۰ سال در سجده گذراندند (لاری، ۱۹۷۲م: ۴).

از نظر ذکری‌ها وی پس از ظهور در «اتک» در سال ۹۷۷ق، پنجاه سال زندگی کرده است. چهل سال آن را به سیاحت سپری کرد که نتیجه و ماحصل آن نگارش سفرنامه اش به نام «سیر جهانی» است و ده سال دیگر را در «کوه مراد» محل زیارت و حج ذکری‌ها، که در شهر تربت

بلوچستان پاکستان قرار دارد، گذرانده است. بنابراین منشأ «محمد مهدی اتکی» بیرون از بلوچستان، در «اتک» پنجاب بوده است. براساس اسناد «ذکریم سنتی»، اتکی آیینش را به بلوچستان برده در «کوه مراد» اقامت گزید و در آنجا «البرهان» را به مثابه کتابی آسمانی که بخشی به صورت نظم و بخشی به صورت نثر بوده از لای یک درخت «کهور»^۱ بیرون آورد و امتش را از قرآن بی نیاز ساخت و خود را مهدی خوانده است (لاری، ۱۹۷۲م: ۳؛ هوشنگ، ۱۹۸۹م: ۲۷).

بنابر اعتقاد «ذکری های سنتی»، ملا محمد مهدی اتکی در سال ۱۰۲۹ق، در «کوه مراد» ناپدید شد و به قولی «نوری بود که به عالم بالا رفت» و کسی به نام «ملا مراد گچکی» جانشین او شده که در جهت بقا و گسترش «ذکریم» نقش اساسی داشته است. در زمان او و از سوی بسیاری از خرافات، بدعت ها و رسوم به آیین ذکریم راه یافت و کوه مراد به مثابه کعبه ذکریان مقرر شد (عبدالمجید، بی تا: ۲۷). در برخی منابع از کسانی چون «ملارحمت الله» یا «دوست محمد» و یا «خداداد» به عنوان بنیان گذار ذکریم یاد شده است (هوگز، ۱۹۰۶م: ۲۴۳).

۲. دیدگاه نوگرایان

براساس دیدگاهی که در قرن جاری شکل گرفته است، «ذکریم» شاخه ای از مهدویت هند و بنیان گذار آن «سید محمد جونپوری» است که در «جونپور» هند، در سال ۸۴۸ق/ ۱۴۴۳م به دنیا آمد. نسبش را چنین گفته اند:

سید محمد جونپوری بن سید عبدالله بن عثمان بن سید خضر بن سید موسی بن سید قاسم بن سید نجم الدین بن سید عبدالله بن سید یوسف بن سید یحیی بن سید جلال الدین بن سید اسماعیل بن سید نعمت الله بن موسی کاظم علیه السلام که در نهایت به رسول خدا منتهی می شود. (مولائی شیدائی، ۱۳۷۱ق: ۴؛ مصطفائی، ۱۹۷۴م: ۳۶).

با وجود ذکر این سلسله نسب، در سیادت و شیخیت سید محمد جونپوری اختلاف نظر وجود دارد (بدایونی، ۱۳۸۰ش: ۷۶؛ فرشته، بی تا: ج ۲، ۱۵۰؛ رحمان، ۱۹۱۴م: ۱۹۷).

مهدویان هند، نام والدین وی را همانند والدین پیامبر صلی الله علیه و آله، عبدالله و آمنه آورده اند؛ گرچه در منابع معاصر این مطلب تأیید نشده و نام پدرش را برخی یوسف و برخی سید خان مشهور به «بده اویسی» و نام مادرش را بی بی آقا ملک [أخامک] آورده اند (علامی، ۱۸۹۲م: ج ۳، ۱۷۴). بر این اساس، سبب همنام خواندن والدین او با والدین پیامبر صلی الله علیه و آله، استفاده از روایاتی است که در

۱. کهور درختی گرمسیری است که در سواحل خلیج فارس و دریای عمان وجود دارد و از چوب آن در صنایع بهره می برند.

باره والدین مهدی موعود علیه السلام شهرت دارد. گویند:

شیخ بزرگ محمد بن یوسف حسینی جونپوری در هند مشهور به مهدی، متولد ۸۴۷ ق اسم پدرش را به عبدالله و اسم مادرش را به آمنه عوض کرده و در میان مردم شایع کرد و کتابی درباره اصول مذهب خود تصنیف کرد (حسنی، ۱۴۱۰ ق: ج ۴، ۳۲۲).

جونپوری که زهدانه زیسته، همانند پدر و برادرش از شاگردان شیخ دانیال چشتی بودند (رحمان، ۱۹۱۴ م: ۱۹۸). او که پس از سفر به چندین شهر هند در ۵۴ سالگی به قصد زیارت در سنه ۹۰۱ ق/ ۱۴۹۵ م، به همراه تعداد ۱۷ الی ۲۰ نفر از مریدان خود به مکه رفت بعد از طواف، بین حجرالأسود و رکن یمنی ادعای مهدویت کرد (بلوچ، ۲۰۰۹ م: ۲۶۸). همان سال به هند بازگشت و در احمدآباد گجرات در سنه ۹۰۵ ق نیز دوباره ادعای مهدویت کرد. در پی مخالفت جونپوری با علماء آن شهر، آنان بر اخراج وی از شهر توافق و نهایتاً با توجه به پیشرفت روزافزون دعوتش، تقاضای تبعید او را نمودند (رحمان، ۱۹۱۴ م: ۱۹۸). از این زمان، هجرت پنج ساله اش آغاز شد و به نشر باورهایش پرداخت و شمار فراوانی از مردم به کیش وی گرویدند. در این زمان تعدادی از فرمانروایان، از جمله حکمران «فراه» را به پیروی از آیین خود درآورد و سرانجام در ۶۳ سالگی در سال ۹۱۰ ق/ ۱۵۰۵ م در شهر «فراه» افغانستان درگذشت (جعفری، ۱۳۶۳ ش: ۲۶۱). القاب اعطایی به وی یعنی: شمس ولایت، خلیفة الله، امام عارفین، مبین القرآن، سلطان الاولیاء، نور محمدی و صاحب فرمان. کتاب‌هایش به نام *شواهد الولایه*، *مطلع الولایه*، *تذکره الصالحین* و *بارامنت*، نشان می‌دهند وی مزوری ماهر بوده است. عده‌ای معتقدند که وی در حالت شوریدگی و سکر ادعای مهدویت کرده است؛ همان‌گونه که برخی اولیا، «انا الحق»، «انا الله» و امثال آن گفته اما در حالت «صحو» و هوشیاری از آن ادعا برگشته‌اند ولی برخی از مریدان توجه نکرده بر سخن اول وی اصرار ورزیده‌اند (حسنی، ۱۴۱۰ ق: ج ۴، ۲۸۸). همچنین گفته شده که وی در حادثه‌ای، صدای «انت المهدی» شنید و اعلام مهدویت کرد. برخی نیز گفته‌اند که مراد از «أنا المهدی» مهدی موعود نیست بلکه معنی لغوی آن «هدایت‌شده» است (بدایونی، ۱۹۷۲ م: ۸۱). براساس عقیده «ذکریه»، سیدمحمد جونپوری، همانی است که محمد عربی صلی الله علیه و آله درباره‌اش پیش‌گویی کرده، بشارتش را داده و مهدی آخرالزمان است. «ذکر» و «مهدوی» دو فرقه جداگانه نیستند بلکه دارای یک عقیده هستند که با دو نام مشهورند (بلوچ، ۱۹۷۵ م: ۲۰).

وقتی جونپوری دعوتش را آشکار کرد، با مخالفت عالمانی از جمله علاءالدین علی متقی

هندی (۹۷۵-۸۸۸ق) نویسنده *کنز العمال* مواجه شد. وی دو رساله در ردّ وی نگاشت: «الرد علی من حکم و قضی أنّ المهدی قد جاء و مضی» و نیز «البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان» (متقی هندی، ۱۴۰۸ق: مقدمه).

۳. برخی باورهای ذکریم

در بیشتر کتاب‌های ذکر، به پیروان این فرقه «امت مهدی» و یا «امتان مهدی» و مذهب ذکر را «دین مهدی» و «شریعت مهدی» می‌گویند. آسیابادی می‌آورد:

شرع نور محمد مهدی پاک، دین مهدی، امت محمد مهدی پاک و شریعت محمد مهدی (آسیابادی، ۱۹۸۹م: ۵۴).

بر اساس اظهارات بزرگان ذکر، «محمد مهدی» فاقد خصوصیات مخلوق زمینی چون ولادت، وفات، خوردن و آشامیدن است. او نور و واسطه خلقت است. لاری می‌نویسد:

قال المهدی: تمام کائنات از نور من به وجود آمده است بر هر شخصی که پرتو نور من افتاده او صاحب کمال شده است که از آن‌ها اولشان آدم و آخرشان احمد علیه السلام است و تمام اولیای کرام که در دنیا آمده‌اند از پرتو نور من مستفیض شده‌اند و چهار شخص دیگر که در دنیا به آن‌ها سلطنت و پادشاهی بزرگ رسیده است از نور من بهره برده‌اند که از آن‌ها دو نفر مسلمان و دو نفر کافر هستند. دو نفر مسلمان سلیمان علیه السلام و ذوالقرنین و دو نفر کافر نمرود و بخت نصر هستند (لاری، ۱۹۷۲م: ۳).

اظهارات «ذکریه» بسیار آشفته و نابسامان است. در برخی کتب، محمد مهدی بر تمامی انبیا علیهم السلام و حتی پیامبر خاتم علیه السلام مقدم است (قصرقندی، موسی‌نامه: ۱۰۱؛ ملاکمان، ۲۱-۲۳). او خاتم انبیا و مرسلان و نبی آخرالزمان و جاویدان در عرش، در کنار خداست (قصرقندی، موسی‌نامه: ۱۱۷). معتقدند که مهدی اتکی سبب شد تا خداوند توبه آدم را بپذیرد، و به نوح روش ساختن سفینه را بیاموزد و ابراهیم را از آتش نمرود نجات دهد و به موسی عصا را عنایت نماید. مطابق برخی اظهارات آنان، تمامی قرآن بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل نشده زیرا قرآن چهل جزء داشته، سی جزء آن اکنون در قرآن هست و ده بخش باقیمانده آن ویژه اهل باطن است که «البرهان» محمد مهدی اتکی همان ده جزء پوشیده بر اهل ظاهر است (لاری، ۱۹۷۲م: ۵؛ افشار، ۱۳۷۱ش: ۳۶۷) ایشان خیلی از احکام، مثل نماز، روزه و حج را منسوخ می‌دانند. قصرقندی می‌گوید:

دین مهدی، بر قول و افعال مذاهب، خط باطل کشید (قصرقندی،

موسی نامه: ۱۵۳).

همچنین آمده است:

به امر مهدی، ترک نماز و روزه کردند و شب و روز به ذکر حق مشغول شدند، از عشق محبوب حقانی دل ایشان را جذب نور ذات رسید (ملا اعظم، سیر جهانی: ۱۳۷).

ایشان تا جایی پیش رفته اند که اهتمام به احکام را کفر دانسته، می گویند: نماز جمعه و عیدین کفر است و خواندن بقیه نمازها گناه، ناجایز و خطای فاحش.

ملا نورالدین در اختتام کتابش نوشته است:

تمام شد و روی نمازی سیاه شد (آسیابادی، ۱۹۸۹م: ۱۷).

به رغم برخی اظهارات آشفته، گاهی نیز محمد مهدی را همان مهدی موعود علیه السلام می دانند که کارش پایان یافته است؛ قصر قندی می گوید:

امام مهدی که محمد بن عبدالله عربی صلی الله علیه و آله بشارت و مژده اش را داده است، آمده، ظهور کرده و تا قیامت، مهدی دیگری نمی آید (آسیابادی، ۱۹۸۰م: ۱۴).

سوء استفاده از مهدویت

مهدی باوری از باورهای مهم مسلمانان و در ردیف باور به قیامت می باشد. مسلمانان با وجود اختلاف مذهب، اتفاق دارند که در آخرالزمان شخصی از عترت علیه السلام قیام کرده زمین آکنده از ظلم و جور را مشحون از عدل و داد خواهد کرد. تأکید پیامبر صلی الله علیه و آله و عترت علیه السلام بر این امر، سبب شده است بسیاری از محدثان و محققان فریقین با نگاشتن کتاب هایی مستقل یا اختصاص فصولی از کتب خود، بر متواتر بودن این احادیث و قطعیت باورداشت تشکیل حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام استدلال نموده منکرش را فاسق و کافر شمارند.

کثرت و شهرت اخبار مرتبط با منجی موعود، سبب شده است که برخی افراد با انگیزه های مختلف بدان توجه کنند؛ گاه طالبان مال و جاه درصدد سوء استفاده برآیند و در میان عوام حرکت هایی شکل گیرد. لذا می توان گفت فرصت طلبی و سوء استفاده از اصل «انتظار ظهور مهدی»، منشأ فساد و فتنه های بزرگ در زمین شده است؛ چنان که در بلاد مختلف، افرادی به نام «مهدی منتظر» علیه سلاطین قیام می کنند و عده ای از فریب خوردگان مجذوب شده از آنان حمایت می کنند که از نمونه هایش، فتنه مهدی سودانی، غلام احمد قادیانی و میرزا حسین بهایی است (طاهری و رسی، ۱۳۹۰ش: ۳۷۵).

از جمله مدعیان مهدویت، «سید محمد جونیوری» و «ملا محمد اُتکی» در شبه قاره

هند می‌باشند که به عنوان مؤسس «ذکریه» به‌شمار آمده‌اند. پیروان آنها خلعت پیامبری و ردای ولایت را بر تن رهبران خود کرده و باعث جنگ، بدعت و فساد شده و هزاران نفر را به گمراهی کشانده‌اند.

تعارض مهدی باوری «ذکریه» با قرآن و سنت

در این بخش مقاله، تلاش می‌شود تا مهدی موعود علیه السلام و خصوصیات قیام آن حضرت از منظر قرآن و روایات به اختصار بررسی و میزان انطباق آن با مهدی باوری فرقه «ذکریه»، که آن را امری تحقیق یافته در قرن دهم هجری تلقی می‌کنند، معلوم گردد:

۱. امام مهدی در قرآن

قرآن، اساس دعوت اسلام است. گرچه در آن نامی از مهدی علیه السلام نیامده، اما حدود پنجاه آیه‌اش با قیام ایشان پیوند و ارتباط دارد. (حسینی، ۱۴۲۳ق: ۹). بعضی از این آیات با صراحت و برخی دیگر با اشاره، بر جهانی شدن اسلام دلالت می‌کنند و پاره‌ای دیگر به کمک روایات، بر عصر ظهور مهدی علیه السلام، تطبیق شده‌اند:

آیه شریفه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ «خداوند کسی است که پیامبرش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر تمام آیین‌ها پیروز گرداند، هر چند مشرکان ناخشنود باشند»، دوبار، بدون هیچ تغییر و تفاوتی نازل شده است (توبه: ۳۳؛ صف: ۹). شیخ طوسی (م: ۴۶۰ق) می‌گوید:

در این آیه، نشان صداقت پیامبر صلی الله علیه و آله وجود دارد چون در این آیه وعده غلبه اسلام بر ادیان دیگر داده شده... امام باقر علیه السلام می‌گوید: غلبه اسلام بر ادیان دیگر، هنگام خروج مهدی علیه السلام اتفاق می‌افتد (طوسی، ۱۴۰۹ق: ج ۵، ۲۰۹).

سیوطی نیز نقل کرده: «... از جابر روایت کرده‌اند که در تفسیر آیه «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» گفته است: معنای این آیه صورت وقوع به خود نمی‌گیرد مگر وقتی که هیچ یهودی، مسیحی و صاحب ملتی جز اسلام نماند، و چنان نمی‌شود مگر وقتی که گرگ و گوسفند، شیر و گاو و انسان و مار با هم زندگی کنند و از یکدیگر ایمن شوند، و نیز واقع نمی‌شود مگر وقتی که هیچ موشی انبانی را سوراخ نکند و واقع نمی‌شود مگر وقتی که جزیه بکلی لغو شود، و صلیب‌ها شکسته و خوک‌ها کشته شوند، و این وقتی است که عیسی بن مریم از آسمان فرود آید (سیوطی، بی‌تا: ج ۳، ۲۳۱). قندوزی حنفی نیز تصریح کرده که از امام صادق علیه السلام روایت است که این آیه با آمدن حضرت مهدی علیه السلام تأویل خواهد شد (قندوزی، ۱۴۱۶ق: ج ۳، ۲۳۹). قرطبی نگاهشته

است: مقصود از «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ» پیامبر اسلام ﷺ و مراد از «بِالْمَهْدِيِّ» قرآن و منظور از «و دین الحق لیظهره علی الدین کله»، غلبه اسلام بر همه ادیان، می باشد. سدی می گوید: غلبه دین اسلام بر همه ادیان، وقت ظهور مهدی علیه السلام است که مردم یا به دین اسلام می گرایند یا این که جزیه می پردازند. و این دیدگاه که «مهدی همان عیسی است» درست نیست. چون روایات مبنی بر این که مهدی از عترت و اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله است، در حد تواتر می باشد، پس حمل آن اخبار بر عیسی علیه السلام ناستوار است. همین گونه است حدیث «لَا مَهْدِيَّ إِلَّا عَيْسَى» که توسط «محمد بن خالد جندی» نقل شده، زیرا روایتش مجهول، متروک و منقطع است و احادیثی که بیانگر خروج حضرت مهدی است به مراتب صحیح تر هستند (قرطبی، ۱۳۸۴ق: ج ۸، ۱۲۲). در این مورد از امام صادق علیه السلام نقل است:

قسم به خدا مژده ای که در این آیه داده شده تحقق نیافته و تحقق نخواهد یافت تا این که مهدی موعود علیه السلام ظهور کند. وقتی که ظهور کرد هیچ کافر و مشرکی در دنیا باقی نمی ماند حتی اگر کافری در دل صخره ای پنهان شده باشد می گوید: ای مؤمن در دل من کافری است مرا بشکن و او را از بین ببر (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ۲۱۱).

آیه دیگر چنین می باشد:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُم فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛
خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید آنان اند که نافرمان اند (نور: ۵۵).

طبرسی در تفسیر آیه می نویسد:

از اهل بیت روایت شده که آیه مذکور در مورد مهدی از آل محمد نازل شده است. امام علی بن حسین علیه السلام وقتی این آیه را تلاوت کرد، فرمود: به خدا سوگند ایشان شیعیان ما اهل بیت اند، که خدا این وعده اش را در حق ایشان به وسیله مردی از ما تحقق می دهد، و او مهدی این امت است، و کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره اش فرمود: «اگر از دنیا نماند مگر یک روز خدا آن روز را، آن قدر طولانی می کند

تا مردی از عترتم قیام کند، که نامش نام من است، زمین را پراز عدل و داد کند، آن چنان که از ظلم و جور مملو شده بود». و نظیر این روایت از امام باقر و صادق علیهما السلام نقل شده است. بنابراین مراد و مصداق کامل «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام می باشند و روز حکومت امام مهدی علیه السلام است. (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۷، ۲۶۷)

آیه:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾

در زبور بعد از ذکر [تورات] نوشتیم: بندگان شایسته ام وارث حکومت زمین خواهند شد (انبیاء: ۱۰۵).

نیز در همین زمینه به شمار می آید.

نگاشته اند: کتاب های آسمانی همه ذکرند و آیه «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» در باره قائم و اصحاب اوست. نیز زبور مشتمل بر پیشگویی ها، حمد، تمجید و دعا بوده است (قمی، ۱۳۶۳ش: ج ۲، ۷۷؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۴۶۴، ح ۱۸۹). علامه طباطبائی ذیل این آیه می گوید:

کسانی که این آیه را به وراثت دنیا اختصاص داده اند، آن را بر غلبه اسلام بر تمام ادیان با ظهور مهدی علیه السلام که پیامبر صلی الله علیه و آله در اخبار متواتر منقول فریقین از آن خبر داده است، حمل کرده اند (طباطبائی، بی تا: ج ۱۴، ۴۶۶).

آیه:

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾

ما اراده کرده ایم که بر مستضعفان زمین نعمت بخشیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم (قصص: ۵).

بر مقطع ظهور امام مهدی علیه السلام تطبیق شده است.

در تفسیر «نورالثقلین» روایاتی در این ارتباط ذکر شده که به برخی اشاره می شود:

الف) امام علی علیه السلام فرموده: دنیا پس از چموشی ... به ما روی می آورد... آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (عروسی حویزی، ج ۴، ۱۰۹، ح ۱۰).

ب) آن بزرگوار در تفسیر آیه فوق فرمود: این گروه آل محمد صلی الله علیه و آله هستند، خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می شود برمی انگیزد؛ آنها را عزیز و دشمنان شان را خوار

و ذلیل می‌کند (همان: ج ۴، ۱۱۰، ح ۱۱).

ج) امام صادق علیه السلام نیز می‌فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله نگاه می‌کرد به علی، حسن و حسین علیهم السلام کرد، گریست و فرمود: شما بعد از من مستضعف خواهید شد، مفضل می‌گوید عرضه داشتیم معنای این کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله چیست؟ فرمود: یعنی بعد از من شما امامید، چون خداوند می‌فرماید: ﴿و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾. پس این آیه تا روز قیامت در باره ما و پیشوایی ما تا قیامت جریان دارد (همان: ج ۴، ۱۱۰، ح ۱۵).

۲. امام مهدی از دیدگاه احادیث

حدیث که پایه دوم معارف اسلام است به تواتر از حضرت مهدی علیه السلام و خصوصیات قیام مهدوی سخن گفته است:

الف) نام و نسب مهدی موعود علیه السلام

دسته‌ای از روایات به صورت مؤکد، دلالت دارند که حضرت مهدی علیه السلام از خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله، از فرزندان فاطمه علیها السلام و همنام پیامبر و لقبش مهدی است. علت تأکید بر این حقیقت که به گونه‌های مختلف بیان شده چیزی جز اهمیت موضوع و پیش‌بینی ظهور مدعیان فراوان نیست.

الف) عن النبی صلی الله علیه و آله: لا تقوم الساعة حتی یلی رجل من أهل بیته یواطئ اسمه اسمی (ابن حنبل: ج ۱، ۳۷۶)؛

ب) قال رسول الله صلی الله علیه و آله: لا تنقضى الأيام ولا یذهب الدهر حتی یملک العرب رجل من أهل بیته اسمه یواطئ اسمی (ابن حنبل، ج ۱، ۳۷۶؛ ترمذی، ۱۳۹۵؛ ج ۳، ۳۴۳، ح ۲۳۳۱؛ ابوداود سجستانی، ج ۲، ۳۱۰)؛

ج) قال رسول الله صلی الله علیه و آله لولم یبق من الدنيا الا لیلة لملک فیها رجل من أهل بیته اسمه اسمی (ابن حبان، ۱۴۱۴؛ ج ۱۳، ۲۸۴).

در همه این روایات به دو نکته تصریح شده است: این که مهدی همنام پیامبر صلی الله علیه و آله و آمدنش قطعی است. در روایتی دیگر مهدی موعود علیه السلام به طور حتم از نسل حضرت فاطمه علیها السلام دانسته شده است:

فقالت: [ام سلمة] سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول «المهدی من ولد فاطمة» (بخاری، بی‌تا: ج ۸، ۴۰۶، ح ۳۴۹۷؛ ابن ماجه قزوینی، ج ۲، ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۶، حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱؛ ج ۴، ۶۰۱؛ ابن بطریق، ۴۳۹، ح ۹۲۳).

لقب مشهور آن حضرت که صدها روایت در منابع فریقین بر آن دلالت می‌کند، «مهدی» است، ولی در کتب روایی و ادعیه شیعه، به تناسب فضایل و ویژگی‌های شخصی و حکومتی آن حضرت، القاب دیگری مانند: «الامام المنتظر، قائم آل محمد، خلف صالح، صاحب الزمان، ولی العصر، حجة الله، خلیفة الله، داعی الله، سفینه النجاه و مفرّج الكرب» برای ایشان ذکر شده است.

با این که میان دو مذهب تشیع و تسنن، در باورداشت مهدی علیه السلام، در مواضعی چون: اصل اندیشه مهدویت، قطعیت برپایی دولت جهانی‌اش، قریشی، علوی و فاطمی بودنش و این که آخرین دوازده امام می‌باشد، اتفاق رویکرد وجود دارد، و در نتیجه دیدگاه «ذکریه» را بر نمی‌تابند، در پاره‌ای از جهات وجودی آن آخرین حجت الهی، ناهمگونی‌های برجسته و مهمی وجود دارد، که به اجمال بررسی می‌شود:

۱. ولادت و نام پدر حضرت مهدی علیه السلام

گرچه عدم ظهور مهدی امت، مورد اتفاق فریقین است لیکن ولادت ایشان محل اختلاف می‌باشد. بیشتر اهل سنت معتقدند که حضرت مهدی علیه السلام حدود چهل سال قبل از ظهور به دنیا آمده زمین را مشحون از عدل می‌کنند؛ می‌نویسند:

همانا مهدی از فرزندان فاطمه علیها السلام است، هنوز متولد نشده، بلکه در آینده و آخرالزمان خلق می‌شود (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸ق: ج ۱، ۲۸۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ۱۳۱).

در برابر دیدگاه فوق، از متواترات و ضروریات مذهب امامیه است که حضرت مهدی علیه السلام در نیمه شعبان سال ۲۵۵ق، در شهر سامرا از مادری به نام نرجس متولد شده است (کلینی، ۱۳۸۸ش: ج ۱، ۱۷۸؛ قزوینی، ۱۳۸۷ش: ۱۱۴-۱۵۷؛ طاهری و رسی، ۱۳۹۰ش: ۲۸۴).

۲. نام پدر حضرت مهدی علیه السلام

در باره نام پدر امام مهدی علیه السلام نیز ناهمگونی دیده می‌شود. نزد عموم شیعیان اثناعشریه، اسم پدرشان «حسن» است. این که آن حضرت، فرزند امام عسکری علیه السلام و نهمین فرزند از نسل امام حسین علیه السلام است از ضروریات و متواترات مذهب شیعه است. برخی از عالمان اهل سنت هم این دیدگاه را پذیرفته‌اند (ابن صباغ مالکی، ۱۴۰۹ق: ۲۷۶). قندوزی حنفی نقل کرده است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از ذکر اسامی ائمه دوازده گانه اهل بیت علیهم السلام فرمود: سپس قائم است که اسم و کنیه او همانند اسم و کنیه ام می‌باشد او محمد بن حسن بن علی است؛ کسی است که خداوند شرق و غرب عالم را با دست او فتح خواهد کرد (قندوزی، ۱۴۱۶ق: ج ۳، ۲۹۹).

در بسیاری از منابع اهل سنت به نقل از رسول خدا ﷺ نیز تنها به جمله «اسمه اسمی» بسنده شده و اشاره‌ای به نام پدرشان نشده است (ابن حنبل: ج ۱، ۳۷۶؛ ترمذی، ج ۳، ۳۴۳، ح ۲۳۳۱؛ ابوداود سجستانی، ج ۲، ۳۱۰؛ ابن حبان، ج ۱۳، ۲۸۴). تنها در یک روایت، پدر حضرت همنام با پدر رسول خدا ﷺ، «عبدالله» قلمداد شده است. روایت چنین است:

لو لم یبق من الدنيا الا یوما لطول الله ذلک الیوم حتی بیعت فیہ رجلا من اهل بیتی
یواطئ اسمه اسمی واسم ابيه اسم ابي؛

دنیا به پایان نخواهد رسید تا این که خداوند مردی از خاندان مرا برانگیزد که اسم او مشابه اسم من و اسم پدرش مشابه اسم پدر من است (ابوداود، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ۱۴۱؛ ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ق: ج ۸، ۶۷۸؛ متقی هندی، ۱۴۰۵ق: ج ۱۴، ۲۶۷؛ ابن حبان، ۱۴۰۸ق: ج ۱۵، ۲۳۷؛ حاکم نیشابوری، ج ۴، ۴۴۲).

عبارت «اسم ابيه اسم ابي» را بسیاری از محدثان اهل سنت همانند ابن حنبل که قدیمی‌تر می‌باشد، نیاورده است. به علاوه این حدیث با همین سند به وسیله ترمذی روایت و در آن به ذکر «یواطئ اسمه اسمی» بسنده شده است (ترمذی، ج ۳، ۳۴۳، ح ۲۳۳۱). لذا گزاره «اسم ابيه اسم ابي» با اکثر روایات اهل سنت و اعتقاد اتفاقی پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام مخالف است (عمیدی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۳۱۸) ممکن است جمله «واسم ابيه اسم ابي» از موضوعات عباسیان جهت سوء استفاده از اندیشه مهدویت باشد، تا مردم را به بیعت با «محمد بن عبدالله»، فرزند عبدالله منصور، و ملقب به مهدی ترغیب کنند (قادری، ۱۳۹۰ش: ۱۰۴؛ رضوانی، ۱۳۸۴ش: ۴۴۴).

۳. حسنی یا حسینی بودن مهدی علیه‌السلام

بر طبق ضروریات اعتقادی مذهب شیعه مهدی علیه‌السلام نهمین فرزند از نسل امام حسین علیه‌السلام و آخرین خلیفه از خلفای دوازده‌گانه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۸، ۴۶). مذاقه در روایات اهل سنت - جز در یک روایت - آنان را با شیعه هماهنگ نشان می‌دهد. تنها ابوداود سجستانی روایتی چنین متفاوت آورده است:

علی علیه‌السلام به چهره حسن مجتبی علیه‌السلام نگاه کرد و فرمود: این فرزندم، آقای مردم است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم او را به این اسم نامیده است و به زودی از صلب او مردی به دنیا می‌آید که همنام پیامبران و اخلاقش شبیه اخلاق اوست (ابوداود، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ۳۱۱، ح ۴۲۹۰).

تحقیق می‌گوید: این روایت خبر واحد بوده نمی‌تواند با روایات پرشمار دیگر معارضه کند. به

علاوه در نقل دیگری از کتب اهل سنت به جای لفظ «حسن»، «حسین» آمده است. به فرض تعادل و تعارض این دو دسته خبر و انتفاء پیشامد تصحیف، امکان جمع میان آنها وجود دارد. زیرا همسر امام سجاد علیه السلام، دختر امام مجتبی علیه السلام بوده نسب امامان بعد از سجاد علیه السلام از پدر به امام حسین علیه السلام و از مادر به امام حسن علیه السلام می‌رسد. لذا هم حسنی و هم حسینی بشمار می‌آیند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۶، ۲۱۵). اگر روایت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرموده‌اند:

والذی بعثنی بالحق ان منهما [الحسن والحسین] مهدی هذه الامة؛

مهدی از هر دو به دنیا می‌آید (طبری، ۱۳۸۰ش: ۱۳۶؛ عمیدی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۲۹۰).

را هم ملاحظه کنیم این تحلیل بیشتر تقویت می‌شود.

ب) شباهت تمام به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

برخی روایات به خصوصیات امام مهدی علیه السلام و حتی سیمای ظاهری اش پرداخته و تصریح کرده که نام موعود اسلام، مانند نام رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است؛ از خُلُق و خَلَق همسان و شباهت در شمایل نیز برخوردارند. به نظر می‌آید راز این تقارن و تشابه، آن باشد که پیدایش و گسترش اسلام با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بوده تکمیل و به نهایت رساندن آن به دست کسی خواهد بود که از هر نظر مانند ایشان است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مهدی از فرزندان من و اسم او همانند اسم من و کنیه اش همانند کنیه ام و شبیه ترین مردم به من در صورت و سیرت است (صدوق، ۱۴۰۵ق: ۲۸۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ۷۲).

ابوداوود سجستانی نیز آورده است: «مهدی از فرزندان من است ... زمین را پراز عدل و داد می‌کند، همان طور که از ظلم و جور پر شده و هفت سال حکومت می‌کند» و «همچنین رفتار حضرت علیه السلام مطابق سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و در اخلاق شبیه اوست (ابوداوود، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۳۱۰-۳۱۱، ۴۲۸۵؛ ابن حبان، ۱۴۰۸ق: ج ۱۵، ۲۳۷-۲۳۸).

ج) رخدادهای مقارن با ظهور مهدی علیه السلام

براساس روایات، قیام حضرت مهدی علیه السلام نزدیک قیامت خواهد بود و همزمان با آن، پاره‌ای حوادث مهم اتفاق می‌افتد. مسلم روایت کند:

ما در حال گفتگو بودیم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزد ما آمد و گفت: چه می‌گویید؟ گفتند: درباره قیامت گفتگو می‌کنیم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: قیامت هرگز برپا نخواهد شد تا آنکه شما ده نشانه‌اش را ببینید. افزودند: نشانه‌های قیامت عبارت‌اند از: بلند شدن دود، ظاهر شدن دجال، بیرون آمدن جنبنده زمین، طلوع خورشید از مغرب، فرو آمدن عیسی

بن مریم علیها السلام، خروج یا جوج و مأجوج، خسوف و فرورفتن سه گانه در جانب مشرق و مغرب و جزیره العرب و آخرین نشانی، آتشی است که از سرزمین یمن بلند می شود و مردم را به سوی محشر سوق می دهد (نیشابوری، ۱۳۹۸ ق: ج ۴، ۱۷۹).

از امام علی علیه السلام نقل است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ای علی! ده رخداد قبل از قیامت واقع می شود: اختلاف، کشتار بین اهل حرمین، ظاهر شدن پرچم های سیاه، خروج سفیانی، افتتاح و گشودن کوفه، فرورفتن لشکر سفیانی در بیداء، خروج مردی از اهل بیت که با او در بین زمزم و مقام بیعت می شود، آمدن بزرگانی از عراق و صالحانی از شام و نیکانی از مصر و عده ای هم از یمن به سوی او می آیند که مجموع شان به تعداد سپاه بدر یعنی سیصد و سیزده نفر می رسند (طبری، ۱۴۱۳ ق: ۴۶۵).

از میان رخدادهای مقارن با ظهور، چند عنوان زیر برجسته تر می نماید:

۱. فراگیر شدن جهالت و ظلم

در روایات بسیاری، فراگیر شدن جهالت، فساد و ستم از نشانه های معروف قیام مهدی علیه السلام به شمار می رود:

الف) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

بعد از شما، روزهایی است که جهل دنیا را فرا می گیرد و علم برجیده و هرج و مرج زیاد می شود. گفتند: یا رسول الله «هرج» چیست؟ فرمودند: قتل و کشتار و «قبل از وقوع قیامت فتنه هایی مانند سیاهی شب رخ می دهد... گروه هایی دینشان را به دنیا می فروشند (ابن ابی شیبّه، ۱۴۰۹: ج ۷، ۴۴۸-۴۴۹؛ ابن حنبل: ج ۱، ۴۰۵، ج ۲، ۳۷۰ و ۴۱۷؛ نیشابوری، ج ۸، ۱۷۰، ۵۸؛ ابوداؤد، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۰۳، ج ۳، ۴۲۵۵؛ ابن حبان، ۱۴۰۸: ج ۱۵، ۹۳؛ بخاری، ۱۴۰۱: ج ۸، ۸۹؛ ابن ماجه، ج ۲، ۱۳۴۵).

ب) نبوی دیگر گوید:

خداوند با ظهور مهدی از خاندان نبوت صلی الله علیه و آله و سلم، زمین را پراز عدل و داد می سازد، پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد (ابوداؤد، ۱۴۱۰: ج ۲، ۱۱۰؛ صدوق، ۱۴۰۵، ۲۸۷؛ متقی هندی، ۱۴۰۱: ج ۱۴، ۲۶۶).

ج) از امام علی علیه السلام و ابن عباس نقل است:

اگر از مدت دنیا بیش از یک روز هم باقی نمانده باشد، خدا مردی را از فرزندان من برخواهد انگیخت که زمین را پس از آن که از بیداد پر شده، مملو از عدل و داد خواهد کرد (ابوداؤد، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۱۰؛ قندوزی، ۱۴۱۶: ج ۳، ۲۶۲).

(د) در نبوی دیگر آمده است:

قیامت برپا نمی‌شود تا این که زمین پر از ظلم و جور شود. پس مردی از اهل بیت من قیام و زمین را پر از عدل و داد می‌نماید... (ابن حبان، ۱۴۰۸ق: ج ۱۵، ۲۳۶).

ه) مقدسی شافعی نقل می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود:

بلایی بی‌سابقه از جانب حکمرانان، دامنگیر مسلمانان می‌شود و ظلم همه جا فراگیر می‌شود. هیچ مؤمنی پناهگاهی برای پناه بردن نمی‌یابد، پس خداوند مردی از عترت مرا برمی‌انگیزد که زمین را پر از عدل و داد می‌نماید، همان‌طور که پر از ظلم و جور شده بود (مقدسی شافعی، ۱۴۱۰ق: ۲۱۳).

۲. سپاه سفیانی

از نشانه‌های حتمی ظهور امام مهدی عجل الله فرجه و قیامت که در منابع فریقین مطرح شده، ظهور «سفیانی» است. تعداد روایات و تنوع منابع آن، نشان‌دهنده اهمیت و اهتمام نویسندگان پیشین به این امر است. در این روایات متواتر، گاه از سفیانی، ویژگی‌ها و خصوصیاتش و گاه از فرورفتن او و لشگرش در «بیداء»، در آستانه ظهور، سخن رفته است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

لشگری آهنگ کعبه می‌کند، هنگامی که به زمین «بیداء» درآمدند زمین همه آنها را فرو می‌برد.

حضرت در مورد چگونگی «خسف سپاه سفیانی» فرمود:

در بیداء فرو رفته در قیامت براساس نیت‌شان مبعوث می‌شوند (نیشابوری، ج ۸: ۱۶۷؛ بخاری، ۱۴۰۱ق: ج ۲، ۲۰۱۲؛ ابن ماجه، ج ۲، ۴۰۶۴؛ ابوداؤد، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۳۱۱).

۳. خروج دجال

از جمله حوادثی که همه انبیاء صلی الله علیه و آله به تحقق آن گوشزد کرده‌اند، این که پیش از رویداد قیامت و در آخرالزمان «دجال» خروج خواهد کرد. روایات حاوی آن موضوع در منابع فریقین به خصوص کتب سته، بسیار گسترده است. پیامبر صلی الله علیه و آله در نمازها و دعاهایش در کنار استعاذه از عذاب قبر و جهنم، از فتنه وی نیز به خدا پناه می‌برد؛ می‌فرمود:

وی کارهای خارق‌العاده‌ای انجام می‌دهد (بخاری، ۱۴۰۱ق: ج ۸، ۱۰۳؛ نیشابوری، ج ۸، ۱۹۳؛ ترمذی، ۱۴۲۸ق: ج ۴، ۴۶۰؛ نسایی، ۱۳۴۸ق: ج ۸، ۲۷۸).

مسلم روایت می‌کند:

دجال در میان امت خواهد آمد و چهل وقت باقی می ماند... سپس خداوند «عیسی بن مریم علیه السلام» را به شکل «عروة بن زبیر» مبعوث می کند. عیسی بن مریم علیه السلام دجال را احضار کرده و از بین می برد و سپس مردم هفت سال درحالی که بین آن ها هیچ گونه عداوتی ایجاد نمی شود، زندگی می کنند (نیشابوری، ج ۸، ۲۰۱).

۴. فرود عیسی مسیح علیه السلام

در اخبار فراوانی مرتبط با ظهور، سخن از آمدن عیسی علیه السلام و اقتدایش به مهدی علیه السلام است. از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل است:

چگونه خواهید بود هنگامی که پسر مریم بین شما فرود آید، درحالی که امام شما از خودتان است (بخاری، ۱۴۰۱ق: ج ۴، ۱۴۳؛ نیشابوری، ۱۳۹۸ق: ج ۱، ۹۴؛ ابن حبان، ۱۴۰۸ق: ج ۱۵، ۲۱۳؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۴، ۳۳۲).

هم چنین فرموده اند:

پیوسته تا روز قیامت، گروهی از امتم در راه حق پیروزمندانه جهاد خواهند کرد؛ سپس فرمود: آن گاه عیسی بن مریم فرود خواهد آمد و پیشوای این گروه می گوید: «بیا برای ما نماز بگذار». جواب می دهد: نه! برخی از شما بر برخی دیگر امیرید و این تکریم خداوند برای امت شماست (نیشابوری، ۱۳۹۸ق: ج ۱، ۹۵).

این رخداد و همچنین برخی دیگر از فعالیت ها و اصلاحات عیسی علیه السلام در کنار امام مهدی علیه السلام به گونه های مختلف آمده است (ابن حنبل، ج ۴: ۱۸۲؛ نیشابوری، ۱۳۹۸ق: ج ۱، ۹۳ و ۸، ۱۹۸؛ ابوداؤد، ۱۴۱۰، ج ۲: ۳۱۹؛ ابن ماجه، ج ۲: ۱۳۵۷). نخستین اقدام عیسی علیه السلام، کشتن دجال در دروازه شرقی «لد» در سرزمین فلسطین است (نیشابوری، ۱۳۹۸ق: ج ۸، ۱۹۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۴، ۳۲۹؛ قندوزی، ۱۴۱۶ق: ج ۳، ۳۴۴).

د) ویژگی های حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام

برای تبیین نااستواری دیدگاه مهدی باوری «ذکریه»، افزون بر نشانه های پیشین که تاکنون تحقق نیافته اند، واکاوی ویژگی های حکومت حضرت مانند: بیعت با امام، پیروزی بر تمام قدرت های شیطانی، حاکمیت اسلام بر جهان، دادگستری، رفاه اقتصادی عمومی و... که در روایات فریقین به کثرت وارد شده، به گونه مستوفی، نادرستی رویکرد ذکریه را مورد تأکید قرار می دهد: در روایات آمده که هنگام ظهور، این ندای آسمانی می آید:

ان هذا المهدي فاتبعوه؛

این شخص مهدی است از او پیروی کنید (طبرانی، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ۷۲؛ فیض

کاشانی، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ۴۶۸؛ عاملی نباطی، ج ۲، ۲۵۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۶۹، ۳۶۹).

هم چنین ذکر است که امام مهدی علیه السلام قبل از حمله سپاه سفیانی به مدینه و غارت آن، عازم مکه شده در آن جا افرادی وی را می شناسند و بین مقام ابراهیم و حجرالأسود با وی بیعت می نمایند.

در باره چگونگی بیعت مردم با امام مهدی علیه السلام نقل است:

بعد از مرگ یک زمامدار، میان مسلمانان اختلاف می افتد. در این هنگام مردی قریشی از اهل مدینه رهسپار مکه می شود، گروهی از مکیان وی را به مطاف می برند تا با او بیعت کنند، با این که از این امر خشنود نیست، مردم بین رکن و مقام ابراهیم با وی بیعت می کنند. سفیانی، لشکری به سویشان می فرستد که در «بیداء» در زمین فرو می رود. چون جهانیان از این ماجرا خبردار می شوند، نیکانی از شام و گروهی از عراق نزد ایشان جهت بیعت شرفیاب می شوند. مردی قریشی از قبیله بنی کلب نیز شورش می کند که لشکر امام بر آنان غالب می شود... ایشان طبق شریعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حکومت می کند. اسلام را در تمام جهان عزت بخشیده حکومت جهانی اش هفت سال و به قولی نه سال طول می کشد (ابن حنبل، ج ۶، ۳۱۶؛ أبوداؤد سجستانی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۳۱۰-۳۱۱؛ حاکم نیشابوری؛ ج ۴، ۴۳۱؛ ابن ابی شیبۀ، ۱۴۰۹ق: ج ۸، ۶۰۹، ح ۱۱۵؛ ابن بطریق، ۱۴۰۷ق: ۴۳۳، ح ۹۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ۸۸؛ نیشابوری، ج ۸، ۱۶۷؛ ابن ماجه، ج ۲، ۴۰۶۴).

در بعضی روایات، حکومت حضرت مهدی علیه السلام از فرمانروایی «سلیمان» و «ذوالقرنین» گسترده تر معرفی شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۱، ۲۲۲).

در ارتباط با روش حکومت حضرت مهدی علیه السلام از امام باقر علیه السلام سؤال شد؛ حضرت فرمود:

مهدی علیه السلام به روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عمل می کند تا این که تمام اسلام پیاده شود، گفتم: سیره آن حضرت چگونه بوده است؟ افزود: همان گونه که پیامبر تمام رسوم و ارزش های جاهلیت را منسوخ فرمود، امام مهدی هم تمام روش ها و رسوم جاهلیت پیش از ظهور را نابود و عدالت را مستقر می کند (طوسی، ۱۳۶۵ش: ج ۶، ۱۵۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق: ج ۱۵، ۱۴۱؛ حرعاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۵، ۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۸۱).

بنابراین در این مقطع، اسلام عالم گیر و بر همه ادیان پیروز می شود. خانه ای باقی نمی ماند مگر این که اسلام واردش می شود و خداوند مسلمانان را به برکت اسلام، عزیز و کفار را به سبب

کفرشان، ذلیل می کند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ج ۴، ۴۷۶).

نتیجه گیری

الف) «ذکرِیسم» از بطن تصوف هند زاده شده از ترکیب و تأثیر متقابل مهدویسم هند، تجریدات خالص عرفانی و سنت های بلوچی به صورت آئینی عامیانه تر درآمد. با توجه به نحوه نگرش «مهدویت» هند و «ذکرِیه» بلوچستان به آرکان شریعت، به نظر می رسد، مؤسس رسمی «ذکرِیسم»، «سید محمد اتکی» است که از تعلیمات «سید محمد جونپوری» آگاه و به احتمال زیاد از پیروانش بوده است؛ اما تأثیرپذیری از آموزش های صوفیانه و یا شرایط بلوچستان، موجب شده که از تعلیمات «جونپوری» فاصله گیرد و ذکرِیه به صورت آئینی مستقل در بلوچستان ظهور نموده از جایگاه ویژه ای برخوردار گردد. روایتی که ذکرِیه در ارتباط با «محمد مهدی اتکی» و ظهورش در ۹۷۷ق آورده اند، علاوه بر ارسال و اغلاط ادبی، از شاهدی یا متابعی قرآنی روایی برخوردار نیست. تنیدگی عوامل مختلف سبب شده که «ذکرِیه» در باورداشت خود، دچار سردرگمی شود، گاهی «محمد مهدی اتکی» را جاودان در کنار خدا، گاه سردار پیغمبران و افضل بشر و گاهی همان موعود اسلام بدانند.

ب) مهدی موعود اسلام با نام، نسب، شمایل، ویژگی های شخصی، علائم قبل و بعد از ظهور، سرزمین محل ظهور [مکه]، کیفیت، مدت و دوره حکومتش به هیچ وجه با مهدی «ذکرِیسم» منطبق نیست. مهدی «ذکرِیه» از جهت تبار، خصوصیات و کارنامه ناشناخته است. محل ظهور، فعالیت، غیبت و عروجش فاقد شهرت روایی است. به علاوه در روایات فریقین، علائم قبل، بعد و همزمان با ظهور مهدی عجله مانند: گستره ظلم، جیش سفیانی، خروج دجال، نزول عیسی عجله، نابودی قدرت های شیطانی، جهانی شدن عدل الهی، اجرای تمام احکام اسلام توسط ایشان، تاکنون اتفاق نیفتاده است. به عکس مطابق گزارش هایی که از کارنامه ذکرِیه رسیده است، «مهدی ذکرِیسم» برخلاف موعود مسلمانان، نه تنها احیاگر سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیست، بلکه بیگانه و مخالفش بوده سخن از نقص قرآن، نسخ احکام و بلکه تکفیر پیروان اسلام دارد. وی نه تنها به آیین اسلام و مبانی و اصول مکتب اهل بیت علیهم السلام التزام نداشته بلکه اقدام به تحریف عقاید، مناسک و عبادات کرده موجب فتنه، تفرق و گمراهی بسیاری از مسلمانان بوده است. به علاوه به رغم گذشت چند قرن از ظهور و غیبت «مهدی» ذکرِیه، شاهی از تحقق نشانه های مقارن با ظهور و رسیدن قیامت دیده نمی شود.

منابع

- آسیابادی، احتشام الحق، *ذگری دین کی حقیقت*، پاکستان، تربت، مجلس تحفظ ختم نبوت، ۱۹۸۹م.
- _____، *ذگری مذهب کی عقاید و اعمال*، پاکستان، تربت، مجلس تحفظ ختم نبوت، ۱۹۸۰م.
- ابن ابی الحدید، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء الکتب العربیہ، ۱۳۷۸ق.
- ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد، *المصنف فی الأحادیث والآثار*، تحقیق وتعلیق: سعید اللحام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
- ابن بطریق، *عمدة عیون صحاح الاخبار فی مناقب إمام الأبرار*، قم، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۰۷ق.
- ابن حبان، محمد، *صحيح ابن حبان*، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۸ق.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، *المسند*، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۲۱ق.
- ابن صباغ مالکی، علی بن محمد، *الفصول المهمة فی معرفة احوال الأئمة*، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۹ق.
- ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، *سنن ابن ماجه*، تحقیق وتعلیق: محمد فؤاد عبدالباقي، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع، بی تا.
- ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث، *سنن أبی داود*، تحقیق وتعلیق: سعید محمد اللحام، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۱۰ق.
- افشار، ایرج، *بلوچستان و تمدن دیرینه آن*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱ش.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، *الجامع الصحيح*، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۰۱ق.
- _____، *التاریخ الكبير*، تحقیق: محمد عبدالمعید خان، دیاربکر، ترکیا، المكتبة الإسلامية، بی تا.
- بدایونی، عبدالقادر بن ملوک شاه، *منتخب التواریخ*، تصحیح احمد علی صاحب، تهران، بی نا، ۱۳۸۰ش.

- _____ ، *نجات الرشيد*، لاهور، معين الحق، ١٩٧٢م.
- بلوچ، حميد، مكران، كراچى، انتشارات سيد هاشمى ريفرينس لائبريرى، ٢٠٠٩م.
- بلوچ، عبدالحق، *ذكرى مذهب كى نشيب و فرار*، پنجگور، الجمعية المركزية للدعوة الاسلامية، ١٩٨٧م.
- _____ ، *ذكرى مسئله*، لاهور، دارالعروبه منصوره، ١٩٩٢م.
- بلوچ، عبدالغنى، *ذكرى فرقه كى تاريخ*، كراچى، آل پاكستان مسلم ذكرى انجمن، ١٩٧٥م.
- ترمذى، محمد بن عيسى، *سنن الترمذى*، تحقيق: احمد محمد شاكر، مصر، شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابى، ١٣٩٥ق.
- جعفرى، على اكبر، *كوچ و بلوچ*، بى جا، انتشارات سخن، ١٣٦٣ش.
- حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله، *المستدرک على الصحيحين*، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١١ق.
- حرعاملى، محمد بن حسن، *وسايل الشيعة*، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ١٤١٤ق.
- حسنى، عبدالحى، *نزوه الخواطر و بهجة المسامع والنواظر*، حيدرآباد، دكن، ١٤١٠ق.
- حسينى شيرازى، صادق، *المهدى فى القرآن*، پرهيزگار، قم، ١٤٢٣ق.
- دامنى، ابراهيم، *ماهيت ذكريان*، زاهدان، ندای اسلام، شماره ١٩، ١٣٨٣ش.
- رحمان، على، *تذکره علمای هند*، لكهنو، ١٩٩١م.
- رضوانى، على اصغر، *مؤودشناسى*، قم، انتشارات مسجد جمكران، ١٣٨٤ش.
- سرافرازى، عباس، *مقاله پژوهش نامه تاريخ اسلام*، پژوهشكده تاريخ اسلام، ١٣٩٠ش.
- سيوطى، جلال الدين، *الدر المنثور فى تفسير المأثور*، بيروت، دارالمعرفة للطباعة و النشر، بى تا.
- صدوق، محمد بن على، *كمال الدين و تمام النعمة*، قم، مؤسسة النشر الإسلامى، ١٤٠٥ق.
- طاهرى ورسى، احمد على، *حضرت مهدى در روايات شيعه و سنن*، قم، آثار نفيس، ١٣٩٠ش.
- طباطبائى، محمد حسين، *الميزان فى تفسير القرآن*، ترجمه: سيد محمدباقر موسوى همدانى، قم، انتشارات اسلامى جامعه مدرسين حوزه علميه قم، بى تا.
- طبرانى، سليمان بن احمد، *مسند الشاميين*، تحقيق: حمدى عبدالمجيد السلفى، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤١٧ق.
- طبرسى، فضل بن حسن، *مجمع البيان فى تفسير القرآن*، بيروت، مؤسسه الأعلمى للمطبوعات، ١٤١٥ق.
- طبرى، محمد بن جرير الشيعى، *دلائل الامامه*، قم، نشر مؤسسة البعثة، ١٤١٣ق.
- طبرى، أحمد بن عبدالله، *ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى*، قم، مكتبة الامين، ١٣٨٠ش.

- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: احمد حبیب قصیر عاملی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ق.
- _____، *تهذیب الأحکام*، تحقیق: سیدحسن موسوی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۴ش.
- عاملی نباطی، علی بن یونس، *الصراط المستقیم الی مستحقّی التقدیم*، تحقیق: محمدباقر بهبودی، تهران، المکتبة المرتضویة، بی تا.
- عبدالمجید، ملا، *ذکری مذهب اور اسلام*، تربت پاکستان، مجلس تحفظ ختم نبوت، بی تا.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، *تفسیر نورالثقلین*، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- علامی، ابوالفضل بن مبارک، *آئین اکبری*، لکهنو، سنگی، ۱۸۹۲م.
- عمیدی، سیدنا مرهاشم حبیب، *دفاع عن الکافی*، قم، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة، ۱۴۱۵ق.
- فرشته، محمدقاسم بن غلامعلی، *تاریخ فرشته*، تحقیق: عبدالحی حواجه ایم ای، لاهور، غلامعلی پرنترز، بی جا، بی تا.
- فیض کاشانی، محمد محسن، *الوافی*، اصفهان، مکتبة الامام امیرالمؤمنین علی علیه السلام العامة، ۱۴۰۶ق.
- قادری، سیدرضی، *مهدویت در صحاح سته*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۹۰ش.
- قرطبی، ابو عبد الله محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، تحقیق احمد البردونی، قاهره، دارالکتب المصریة، ۱۳۸۴ق.
- قزوینی، محمد کاظم، *امام مهدی از تولد تا بعد از ظهور*، ترجمه: لطیف راشدی، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۷ش.
- قصرقندی، شیخ محمد، *در وجود*، پاکستان، تربت، کتابخانه آسیابادی، نسخه خطی، بی تا.
- _____، *موسی نامه*، پاکستان، تربت، کتابخانه آسیابادی، نسخه خطی.
- _____، *ثنای مهدی*، پاکستان، تربت، کتابخانه آسیابادی، نسخه خطی.
- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۳ش.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، *ینابیع الموده لذوی القربی*، تحقیق: سید علی جمال اشرف الحسینی، طهران، دارالاسوه، ۱۴۱۶ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ش.

- لاری، عزیز، حقیقت نور پاک و سفرنامہ مہدی، ملا مزار عومرانی، پاکستان، کراچی، ۱۹۷۲ م.
- متقی ہندی، علاء الدین علی بن حسام الدین، البرہان فی علامات مہدی آخر الزمان، مکہ، بی نا، ۱۴۰۸ ق.
- _____، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، تصحیح: الشیخ صفوة السقا، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، تحقیق: محمد باقر بہبودی، بیروت، مؤسسہ الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج، الجامع الصحیح، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸ ق.
- مصطفائی، شمس الدین، مہدوی تحریک، سند، شہدادپور، بزم ادب، ۱۹۷۴ م.
- مقدسی شافعی، یوسف بن یحییٰ، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، بیروت، مکتبۃ المنار، ۱۴۱۰ ق.
- ملا اعظم، سیرجہانی، پاکستان، تربت، کتابخانہ آسیابادی، نسخہ خطی، بی تا.
- ملاکمان، معراج نامہ، پاکستان، تربت، کتابخانہ آسیابادی، نسخہ خطی، بی تا.
- مولائی شیدائی، میر رحیم دادخان، بلوچستان مین مہدوی تحریک، کراچی، عباسی پریس، ۱۳۷۱ ق.
- نسایی، احمد بن شعیب، سنن النسائی، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر، ۱۳۴۸ ق.
- نوری، سید عیسیٰ، ذکرى تحریک مختصر تاریخ و تعارف، پاکستان، تربت، الذاکرین ویلفیئر فاؤنڈیشن، ۲۰۱۰ م.
- ہوشنگ، شوہاز، لندن، بی نا، ۱۹۸۹ م.
- Hughez, Buller, Makran Baluchestan the gazetteer of Baluochistan Makran, 1906.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی